



۲۰۱۷/۰۴/۱۰

ع، شیرزوی

نامه سرکشاده به آقای دوکتور فیروز الدین فیروز

وزیر صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان

طوریکه از نام این وزارت هویدا است که بنام وزارت صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان یاد میشود وظایف بی را که باید برای مردم جنگ زده افغانستان انجام دهند، وتوجی جدی خودرا به این مسله بی بسا مهم و حیاتی مردم میذول بدارد انجام نمی دهند، ودر پی یک سلسه مسایل کلیشه بی خودرا مصروف ساخته اند، تا وسلیتاً توانسته باشند در چشم مردم ما خاک انداخته ودست اندر کاران این پروسه غرض جمع آوری وزر اندوزی خودرا در برابر چشمان مردم بی گناه و بازان سفید جلوه دهند.

مقام محترم در این مدت طولانی نتوانست با سراریز شدن ملیارد ها دالر عملی را انجام بدهد که زره از رنج و غم، ومصیبت های که در سکتور صحت دامن گیر مردم هردم شهید ما بوده آنرا بگاهد مسله برعکس شده. به فکر من شما هم با آن پول تحصیل نموده اید که حکومت های وقت از مردم مالیه گرفته اند برای استاذان شما معاش پرداخته اند که امروز شما به همان پول مالیه مردم به چوکی وزارت تکیه زده اید وفرمان های ... مردم را امضا و صادر می نماید . آیا با وجدان پاک در برابر مردم مسولیت ندارید؟

نا بسامانی ها و فروپاشی های متعددی وزارت محترم را مانند جولاکک از هر طرف پیچانده که بطور خلاص چشم دید خود را بشما در میان گذاشته تا باشد یکبار دیگر به قول وطن دوستی تان وفا کنید:

۱ : آقای دوکتور شما بامن هم عقیده خواهید بود،پولی که در همین مدت از کشورهای متعددی جهان سراریز گردید هفت مرتبه از دیدار را نشان میدهد نسبت با آن پولی که در ختم جنگ جهانی در بازسازی تمام کشورهای اروپایی به مصرف رسید بود ، شما نه خواستید به شکل مثمربیک قسمت ناچیز آنرا در خدمت مردم تان قرار بدهید. سالانه به مقدار چهار ملیارد دالراز هم وطنان ما غرض تداوی در کشورهای بیگانه به مصرف رسیده با قبول نمودن همه بلاتکلیفی ها ومصارف گزاف کشورهای بیگانه را قبول کرده عازم ان کشوری می شوند. سوال در این جا است که شما کدام عملی را در این راستا انجام دادید ؟ آیا کدام شفاخانه ستندری را که جواب گوی نیازمندی های مردم باشد در خدمت مردم تان قرار دادید ؟ جواب روشن است «نه خیر» آیا شما آه وفریاد های هم وطنان تان را که در عقب دروازه های پاکستان با قبول نمودن هزاران دو و دشنام واعمال ضد انسانی پولیس پاکستان را نمی بینید ونمی شنوید ؟ آیا مردم ما سزوار همین تحفه های پاکستانی ها است؟ ویا از دست بی غوری وبی همتی دست اندر کاران این پروسه اند که بالای مردم ما روا داشته اند.

۲ : آیا منحصیث شخص مسول از وصیعت کلینک های شخصی و معانیه خانه های باز دید بعمل آورده اید ؟ که فیس یک دوکتور چند است ؟ از ۲۰۰ شروع الی ۵۰۰ افغانی شما کدام لایحه دارید ؟ یا شهرنا پرسان است دلش باسیکل اش . در این حالت جنگی و بیکاری مردم توان پرداخت این فیس گزاف را دارند؟ شاید شما هم خبر داشته باشید که نسخه های شفوری را به دوا خانه ها سفارش می نمایند، روز روز مریض و مریض دار در موجودیت شما آقا روز به روز بد تر می شوند.

۳ : در نقاط مختلف شهر بشمول شهر کابل اکثری دواخانه ها فاقد جواز بوده هر نرخی را که دل خودشان میخواهند بالای مردم ما بفروش می رسانند لایحه وجود ندارد، کنترول وجود ندارد ، در این زمینه و زمینه های متعددی کدام ابتکاری که برای مردم ما قابل احساس باشد وجود ندارد .

۴ : آیا شما آه وفریادهای مردم را از دست دوا های تاریخ تیر شده نمی شنوید که از استعمال آنها با امراض گوناگون دیگر مبتلا شده اند شما منحصیث یک انسان که اگر مسلکی باشید آیا این پروسه تخریبی وجود انسانها را دیگر چند برابر آماده پذیرش امراض گوناگون نمیسازد ؟ باعث امراض دیگر نمی گردد ؟

مسولین این عمل جنایت کارانه در حقیقت امر ادامه یک جنگ نیابتی در برابر مردم افغانستان نیست؟ کمیشن کاران و تجاران ادویه جات داخلی و خارجی را مردم درتیبانی با شما در یک اتحاد نامقدس مطالعه می نمایند. اگر چنین نمی بود دست های سیاه آنها با این سرحد نمی رسید که با سرنوشت مردم ما بازی صورت می گیرید.

۵: قریه و قصبات کشور را بگذارید در شهریکه شما زندگی دارید نام و تخلص دوکتوران و رشته های شان در لوحه های نصب شده شان نمی گنجد غافل از اینکه اکثریت دیپلوم های شان یا جعلی بوده و با پرداخت پول گزاف بدست آورده اند با جنرالی می ماند که قبلاً ساعت فروش بوده و اکنون جنرال برحال وزارت امور داخله می باشد. کنترل وجود ندارد این پروسه جریان دارد.

۶: در اکثری قرا و قصبات کشورتیم های از طبقه اناث گردش دارند خصوصاً در ولسوالیهای میرچه کوت، فرزه، قره باغ، استالف که برای خانم ها دوا های مهلتی را عرضه میدارند، اعضای این تیم های سیارزنان ایرانی هستند اگر از آنها جویا کارت های هویت شوید در پاسخ میگویند: ما اجازه نداریم که کارت های هویت خودرا بشما نشان بدهیم.

شما درجریان هستید؟ آیا این هم یکی از اشکال جنگ نیابتی نیست؟ ویا چطور چه فکر میکنید؟ این پروسه به دستور کیها در قرا و قصبات ما پیاده میشود. ویا واقعاً از طرف وزارت چنین مسئله پلان میگردد که سالهای متمادی زنان افغان را از نعمت اولاد محروم میسازند.

در ارتباط به عدم کنترل کلینک های شخصی و بعضی از دوکتوران خون اشام شما را دعوت می نمایم به یک مثال بسا کوچک و لی پر محتوا.

یک مثال کوچک: در چاراهی سرای شمالی تقریباً پروان سوم در یک تعمیرده منزل کلینکی وجود دارد بنام «کلینک صحیه فهیمه سکندری» که از پول مردم افغانستان بنا یافته است فعالیت دارد، تمام وسایلی که مریض با آن احتیاج دارد از قبیل دواخانه، کانتین، لابراتوار، معانیات تلویزونی، اطاق انتظار..... در همین یک منزل خلاصه گردیده است.

قیمت یک بوتل آب آشامیدنی ۵۰۰ ملی به مبلغ ۳۰ افغانی بفروش میرسد یک معانیه تلویزونی از ۵۰۰ افغانی شروع تا ۱۵۰۰ افغانی میرسد، همچنان در کلینکی نامبرده بقسم رهنما شخصی کار میکند بنام «نذیر» که از هر مریض و مریضدار مبلغ ۵۰ ویا ۱۰۰ افغانی به بهانه اینکه نمبر خوب را برایت میدهم اخذ می نماید توزیع نمرات داکترکدام لیمت ندارد روزانه به گفته نذیر از ۶۰ الی ۱۲۰ مریض معانیه میگردد، همرا مریضان بگفته مردم شالی میکارد این دوا را بخور دو هفته باز بیا..... همین پروسه جریان دارد. به همین قسم به صدها کلینک های وجود دارند که به همین منوال فعالیت میکنند.

در زمینه کدام لایحه یی را در خدمت مردم قرار داده اید؟ جواب روشن است نه خیر اگر باز پرسید وجود میداشت، لایحه یی در کار می بود کارت های دوکتوران برای بریدن گوشت های مردم هر دم شهید افغانستان انیقدر تیز و برنده نمی بود.

آقای دوکتور: اگر طرح چنین باشد که همه نذرالنیز بیگران و طفیلی های رنگارنگ جامعه همچو مور و ملخ به جان مردم ناتوان افغانستان چسپیده اند و خون آنها را بی بکانه می مکند در این حکومت شرکت سهامی هر نا بکار آن به اخذ سهمیه خویش می تپند نه برای مردم باز شما و دیگر دست اندرکاران دیگر بخشها حق به جانب هستید باید مردم مهرهای سکوت را بر لبان خویش بزنند.

من حقایقی را که دیده بودم بشما محترم در بین گذاشتم من بشما کدام پرابلم شخصی ندارم اکنون شما اختیار دارید که خودرا همان قسمی که از تلویزون شعار میدهد خدمت کارو افعی مردم قرار میدهد و با تمام نا رسایی و فروپاشی های اکنون دامن گیر وزارت صحت عامه جمهوری اسلامی افغانستان است با عرق ریزی و خود گذری تان نقطه پایان می گذارید تا باشد هموطنان ما صاحب یک صحت کامل و پای شان از عقب دروازه های همسایه های ظالم و کینه توز ما جمع شوند دیگر مردم ما توان پذیرش چنین حالت را ندارند، ویا در برابر منافع مردم قرار میگیرید اختیار به شما است.

با عرض حرمت